

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال هفتم شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۴ (صص ۱۳۲-۱۲۱)
مونس‌الارواح، اثری ارزشمند در شرح احوال مشایخ سلسله چشتیه

دکتر کریم نجفی برزگر*

چکیده

سلسله چشتیه، سلسله‌ای معروف از صوفیان مسلمان شبه قاره، منسوب به چشت است که خواجه معین‌الدین سجزی چشتی آن را در اجمیر بنیان نهاد و آن شهر پایگاه چشتیه شد. مشایخ این سلسله علاوه بر ترویج دین اسلام در شبه قاره و تجدید روابط فرهنگی بین دو کشور، نقش مهمی نیز در گسترش زبان فارسی در شبه قاره داشتند. از این رو آثار متعددی درباره این سلسله نگاشته شده است. یکی از این آثار ارزشمند کتاب «مونس‌الارواح» تألیف جهان‌آراء بیگم دختر شاهجهان و از شاهزادگان با فضل گورکانیان هند است که آن را در سال ۱۰۴۹ق نگارش کرده است. وی نزد اساتید برجسته عصر خود تلمذ نموده، به امور دینی، ادبی، عرفا و مشایخ صوفیه علاقه داشته و اغلب اوقات خویش را صرف مطالعه در شرح حال آنان کرده است. کتاب یاد شده و معرفی آن از این نظر اهمیت دارد که نویسنده در آن به شرح احوال مشایخ سلسله چشتیه پرداخته که از تاثیرگذارترین سلسله‌های صوفیه در جهت ترویج اسلام در هند بوده است. از این رو، این مقاله ابتدا به شرح حال وی، سپس معرفی کتاب و بررسی محتویات آن به روش تحلیل محتوا پرداخته است.

واژگان کلیدی: هند، چشتیه، خواجه معین‌الدین چشتی، شاهجهان.

*Email: karimnajafi32@pnu.ac.ir

دانشیار تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۸

۱. مقدمه

سلسله چشتیه، سلسله‌ای معروف از صوفیان مسلمان شبه قاره، منسوب به چشت است. این سلسله دنباله سلسله آذهمیه، منسوب به ابراهیم بن ادهم است که در زمان ابو اسحاق شامی، از مشایخ بزرگ صوفیه در اواخر قرن ۳ و اوایل ۴ ق، در قصبه چشت شکل گرفت و از قرن ۶ ق به تدریج از ناحیه هرات و خراسان بزرگ به شبه قاره گسترش پیدا کرد (آریا، ۱۳۶۵: ۱/۴۱). بنا به روایتی، شجره این سلسله به حضرت علی (ع) می‌رسد (میرخورد، ۱۳۵۷: ۲۵).

ابواسحاق شامی با اجازه پیر خود، خواجه ممشاد علو دینوری، برای ارشاد مردم چشت، از بغداد به آنجا رفت (لاهوری، ۱۹۱۴: ۲۴۰-۲۳۹) و ظاهراً از آن پس این سلسله به «چشتی» معروف شد. در قصبه چشت، خواجه ابو احمد ابدال چشتی که با وی مصاحبت داشت، پس از مرگ ابواسحاق، جانشین او شد (جامی، ۱۳۷۰: ۴۲۸).

بعد از او خواجه ابو محمد چشتی (متوفی ۴۱۱ ق)، خواجه ابویوسف بن سمعان (متوفی ۴۵۹ ق)، خواجه قطب‌الدین مودود چشتی (متوفی ۶۱۲ ق)، خواجه احمد بن مودود (متوفی ۵۷۷ ق) و خواجه عثمان هاروتی (متوفی ۶۱۷ ق) در دیگر نواحی خراسان بزرگ بر مسند ارشاد نشستند (داراشکوه، ۱۳۱۸: ۹۲-۸۹؛ لاهوری، ۱۹۱۴: ۲۵۳-۲۴۰).

با رحلت مریدان خواجه مودود، تصوف در چشت رو به افول نهاد و عده‌ای از مریدان، با ظهور ترکان غوری و منازعات آنان، به اجمیر در ایالت راجستان هند رفتند. نخستین فردی از این سلسله که به هند سفر کرد خواجه معین‌الدین سجزی چشتی، صوفی و عارف نامی قرن ششم هجری، از مریدان خواجه عثمان هاروتی (متوفی ۶۱۷ ق)، از خلفای چشتیه بود که در سفر و حضر او را همراهی و به مریدی او مباحثات می‌کرد. از این رو از وی لقب محبوب‌الدوله گرفت و خلیفه او شد. وی مدتی در دهلی اقامت گزید و سرانجام در سال ۵۶۱ ق به اجمیر رفت، سلسله چشتیه را در آنجا بنیان نهاد و اصول و مبانی آن را تدوین کرد (جامی، ۱۳۷۰: ۳۲۹). وی به خواجه غریب‌نواز معروف شد، زیرا تمامی زندگی خود را صرف عبادت و دستگیری از مستمندان و خدمت به انسان‌ها کرد. همچنین در گسترش اسلام و ترویج تصوف در شبه قاره سهم عمده‌ای داشت و پیروانی زیادی یافت تا آنجا که اجمیر پایگاه چشتیه شد (لاهوری، ۱۹۱۴: ۵؛ فرشته، بی تا: ۲/۳۷۷).

۱-۱. بیان مسأله و سوالات تحقیق

در قرن هفتم هجری، پس از اجمیر، ناگور (ناحیه‌ای در راجستان هند) با حضور حمیدالدین صوفی سعیدی ناگوری و یکی از اخلافش به نام خواجه حسین ناگوری، و دهلی با حضور قطب‌الدین بختیار کاکای از مراکز مهم تصوف چشتی گردید. پس از قطب‌الدین بختیار، شیخ بدرالدین و شیخ فریدالدین گنج‌شکر در اجودهن (در پاک پتن شریف پاکستان)، خواجه نظام‌الدین اولیاء و دو خلیفه وی یعنی شیخ سراج‌الدین و برهان‌الدین غریب در بنگال و دکن، شیخ نصیرالدین محمود، معروف به چراغ دهلی در دهلی، و سید محمد گیسودراز و اخلاف وی در نواحی دکن، سبب گسترش سلسله چشتیه در سرزمین هند و نیز ترویج زبان فارسی در آن خطه شدند. این سلسله که در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری در دوره نصیرالدین چراغ دهلی به اوج خود رسید، با مرگ وی، رو به انحطاط و زوال نهاد. اما آثار و برکات مادی و معنوی وجود این سلسله و مشایخ آن، همچنان در هند و در میان مردم آن همچنان مشهود است.

مسأله تحقیق حاضر این است که کتاب مونس الارواح که در شرح حال مشایخ سلسله چشتیه است، در ایران ناشناخته مانده است و نیاز به معرفی دارد و پرسش‌های تحقیق عبارت است از اینکه: ۱- آیا نویسنده با وجود شاهزاده بودن با معین‌الدین چشتی، ارتباط مرید و مرادی داشته و با اکرام و تجلیل از او یاد کرده است؟ ۲- جهان‌آرا بیگم شرح حال کدام مشایخ چشتیه را در اثر خود آورده است؟

۱-۲. پیشینه و ضرورت تحقیق

همان طور که اشاره شد، مشایخ چشتیه در ترویج دین اسلام در شبه قاره و تجدید روابط فرهنگی بین دو کشور (نظامی، ۱۹۸۰: ۱/۲۴۱) بویژه گسترش زبان فارسی در شبه قاره نقش مهمی داشتند. آنان با خلق آثار متعدد همچون «ملفوظات» (منظور سخنان مشایخ است که مریدان برجسته با حضور در مجالس پیران خود آنان سخنان را یادداشت می‌کردند) که از مهم‌ترین آثار ادبی چشتیه در شبه قاره به‌شمار می‌روند و علاوه بر جنبه ادبی و عرفانی، از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت و بیانگر افکار و اعمال مشایخ چشتیه‌اند، مانند «انیس‌الارواح»، «انیس دولت»، «کلمات خواجه عثمان» (منزوی، ۱۳۶۲-۷۰: ۱۲۹۵-۳/۱۲۹۴؛ آریا، ۱۳۶۵: ۱۰۱-۱۰۰)، «دلیل‌العارفین» (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱/۱۵۴؛ شرافت، ۱۹۷۹: ۱/۱۶۳)، «فوائد‌السالکین» (آریا، ۱۳۶۵: ۱۰۸؛ نظامی، ۱۹۸۰: ۱/۱۵۷)؛ مکتوبات (نامه‌های مشایخ) مانند «صحائف‌السلوک» (شرافت، ۱۹۷۹: ۱/۱۶۹)، «بحر‌المعانی»

منزوی، ۱۳۷۰-۱۳۶۲: ۳/۱۳۱۵)؛ تذکره‌ها همچون «سیرالاولیاء» (قدیم‌ترین تذکره مشایخ متقدم چشتیه در قرن هشتم هجری) و «سیرالعارفین» جمالی دهلوی که در ۱۳۱۱ در دهلی به چاپ رسید؛ آثار منظوم همچون دیوان جمال‌الدین هانسوی (قدیم‌ترین اثر منظوم عارفی چشتی در هند)، «دیوان مسعود بک»، «تحفه‌النصائح» و «دیوان نیاز» از شاه نیاز احمد (منزوی، ۱۳۷۰-۱۳۶۲: ۲/۱۳۰۲) خدمات ویژه و مهمی را به فرهنگ و تاریخ و ادب سرزمین هند، اسلام، تصوف، زبان فارسی و شناخت سلسله چشتیه ارایه داده‌اند اما بعضی از این ملفوظات (مجموعه اقوال مشایخ صوفیه) با وجود گذشت چند قرن هنوز در ایران معرفی نشده‌اند. از جمله کتاب «مونس‌الارواح» تألیف جهان‌آرا بیگم دختر شاهجهان از سلاطین تیموریان هند، که به لحاظ ترویج زبان فارسی و نقش مشایخ چشتیه در رواج و گسترش اسلام در هند، ضرورت شناساندن آن به جامعه علمی و دانشگاهی ایران ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۳. روش تحقیق

در این مقاله ابتدا به شرح حال مؤلف و سپس کتاب وی پرداخته خواهد شد. روش تحقیق به صورت تحلیل محتواست و با استناد به منابع مکتوب و در دسترس انجام شده است که به ترتیب به معرفی نویسنده، کتاب مونس‌الارواح و نیز ذکر ارادت جهان‌آرا بیگم نسبت به بنیانگذار سلسله چشتیه، معین‌الدین چشتی و معرفی نسخه‌های خطی و چاپ‌های سنگی اثر پرداخته خواهد شد.

۲- شرح حال مؤلف و معرفی مونس‌الارواح

جهان‌آرا بیگم دختر دوم شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ ق / ۱۶۲۸ - ۱۶۵۸ م) و ارجمندبانو بود که به نوشته علامه شبلی در ۲۰ صفر ۱۰۲۰ ق و به قولی در ۲۱ صفر ۱۰۲۳ ق / اول آوریل ۱۶۱۴ م متولد شد. پانزده ساله بود که پدرش در ۱۴ فوریه ۱۶۲۸ م زمام حکومت هندوستان را به دست گرفت. از آنجا که شاهجهان علاقه ویژه‌ای به وی داشت و او نیز متقابلاً به پدر، تصمیم گرفت برای آنکه بتواند تمام عمر به پدر خدمت کند ازدواج نکند. چنان‌که از منابع تاریخی بر می‌آید چون اورنگ زیب به خاطر قدرت‌طلبی پدرش، شاهجهان، را در قلعه آگره زندانی کرد، جهان‌آرا بیگم به مراقبت از او پرداخت.

جهان آرا بیگم به علت علاقه به علم و دانش، از محضر اساتید نامدار زمان خود بهره برد. بیشتر اوقات خویش را صرف مطالعه بویژه در موضوعات عرفان و تصوف، اخلاق، سیره، تاریخ، ادب و انشاء کرد و در نثر، شعر و ادب و خوشنویسی تبحر یافت و نویسنده و شاعری چیره دست شد. مولانا محمد علم‌الدین سالک در کتاب خود موسوم به «دختران هند» درباره او می‌نویسد:

«نفوذ و تأثیرگذاری جهان‌آرا بیگم به اوج خود رسیده بود و او در هر بخش از ارکان سلطنت دستی داشت، شخصیت‌های برجسته، نخبگان و شاهزادگان حضور خود را در آستانه و بارگاه وی موجب افتخار می‌دانستند.» (سالک، بی تا: ۱۴۲).

از آنجا که جهان‌آراء بیگم به امور دینی، عرفان و مشایخ صوفیه علاقه‌مند بود (پادشاه نامه/خطی: ۱/۲۹۱)، غالب اوقات خود را صرف مطالعه در شرح حال آنان می‌کرد و خود به سلک مریدان سلسله چشتیه درآمد. از این رو در سال ۱۰۴۹ ق در ۲۶ سالگی کتابی تحت عنوان «مونس الارواح» را در شرح حال اکابر سلسله چشتیه با نثری ساده و روان به رشته تحریر درآورد. او در تألیف کتاب خود از کتب و رسایل معتبری مانند «اخبارالاخیار» شیخ عبدالحق دهلوی (چاپ علیم اشرف، ۱۳۸۳: ۳۸)، «رساله انیس الارواح» (همان: ۳۵)، «سیرالعارفین» (همان: ۳۳)، «اکبرنامه» ابوالفضل علامی استفاده کرده و شجره طیبه این سلسله را از کتاب «سفینه‌الاولیاء» تألیف برادر خود دارا شکوه نقل نموده است (داراشکوه، ۱۳۱۸؛ منزوی، ۱۳۶۲-۱۳۷۰؛ نوشاهی، ۱۳۶۵؛ جمالی دهلوی، ۱۳۱۱ق).

جهان آراء بیگم که «ظاهراً از دارالخلافه اکبرآباد همراه پدرش به اجمیر رفته، از تاریخ هجدهم شعبان سنه یک هزار و پنجاه و سه هجری تا هفتم رمضان همان سال در آنجا اقامت گزیده، هر روز و هر منزل، دو رکعت نماز نافله ادا کرده و یک بار سوره «یس» با «فاتحه» از کمال اخلاص و عقیدت‌مندی خوانده و ثواب آن را بر روح پر فتوح مطهر منور حضرت پیر دستگیر، خواجه معین الحق و الدین - رضی الله عنه - نثار می‌کرده است.» (علیم اشرف، ۱۳۸۳: ۵۵).

وی درباره ارادت خود به خواجه معین‌الدین چشتی چنین می‌نویسد: «اگر اختیاری داشتم همیشه در روضه حضرت که عجب گوشه عافیت است و من عاشق گوشه عافیت هستم به سر می‌بردم و به سعادت طواف نیز مشرف می‌شدم. ناچار به چشم گریان و دل بریان به صد هزار افسوس از آن درگاه رخصت شده به خانه آمدم و تمام شب طرفه بی‌قراری در من بود» (همان: ۵۷).

جهان آراء بیگم سرانجام بعد از زیارت آستان خواجه معین‌الدین چشتی و ادای احترام، بر آن شده تا کتابی در شرح حال سلسله چشتیه به رشته نگارش درآورد. وی علت روی آوردن به تألیف چنین اثری را اینگونه شرح می‌دهد:

«چون این فقیره، خود را حقیرترین مریدان آن حضرت - قدس الله سره العزیز - می‌داند و اخلاص و بندگی به درجه اعلی مرتبه قصوی دارد؛ بنابراین سائلی که بعضی از مشایخ متقدمین و متأخرین در ذکر احوال سعادت‌اشتمال و ملفوظات هدایت‌آیات آن حضرت نوشته‌اند همیشه در پیش نظر داشت و از مطالعه آن فایده بسیار حاصل می‌نموده؛ از کمال اخلاص و نهایت اعتقاد خواست که از هر رساله بعضی از ملفوظات ارشاد سمات و احوال و مقامات عالیه آن حضرت را که خوانندگان و شنوندگان را از آن فیض تمام و بهره ما لاکلام حاصل آید، جدا نموده، رساله علیحده بنویسد. بدان که چون این ضعیفه راجیه، بعد از ادای فرایض و واجبات و تلاوت قرآن مجید؛ هیچ امری، شریف‌تر از ذکر حالات و مقامات اولیای کرام - قدس الله ارواحهم - نمی‌داند. بنابراین، خلاصه اوقات خود را به مطالعه کتب و رسائلی (علیم اشرف، ۱۳۸۳: ۵۸-۵۷) که مشتمل بر احوال سعادت‌مآل بزرگان دین و اکابر صاحب‌یقین است صرف می‌نماید.

چنانکه گوید: «کمال اخلاص و عقیدت‌مندی، این فقیره [را] بر آن داشت که مختصری از احوال «حضرت پیر دستگیر» و خلفای بزرگ آن حضرت - روح الله ارواحهم - را تحریر نماید. الحمدلله و المنة که به توفیقات خدای علیم قدیر و یمن عنایات حضرت پیر دستگیر بدین مطلب خود، فائز گردید و این رساله «مونس الارواح» به تاریخ بیست و هفتم ماه مبارک رمضان، سال یک هزار و چهل و نه هجری به اتمام رسید و خلعت اختتام پوشید و احوال این بزرگان را که مقربان درگاه صمدیت‌اند؛ از کتب و رسائل معتبره، به احتیاط تمام بیرون آورده؛ به قید تحریر آورده شد و به اعتقاد این ضعیفه، آنچه در این رساله، مثبت گردیده؛ صحت تام دارد. امید که خوانندگان را، فیض و بهره تمام از آن حاصل آید» (جهان آرایگم، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۱).

جهان آراء بیگم در خاتمه امید دارد که: "از لطف عمیم و کرم حمیم آن حضرت آن است که این رساله را از این کمترین مریدان عقیدت‌نشان، قبول خاص فرمایند و خوش کنند و توجه بر این مرید داشته باشند.

«معین‌الدین» ما فانی است در حق از آن باقی شده در ذات مطلق» (همانجا)

مؤلف اثر خود را پس از حمد خدا، حضرت محمد (ص) و حضرت علی بن ابی طالب چنین آغاز می‌کند: «پس هزاران حمد و شکر و فراوان ثنا و ستایش مَرّ خدای کریم رحیم - تعالی و تقدس - را که حلقه از ادب و بندگی سلسله شریفه معظمه مکرمه چشیده را که در ممالک وسیعه هندوستان، بلکه در تمامی معموره جهان، رواج و اشتها دارد و بسی اولیای بزرگ عالیمقدار و بسیاری از مشایخ کبار نامدار، زین سلسله علیّه برخاسته‌اند، در گوش دل اخلاص منزل این حقیره فقیره بی‌بضات و ضعیفه نحیفه بی استطاعت، راجیه از درگاه آله جهان‌آراء، بنت شاه جهان پادشاه غازی ابن جهانگیر پادشاه ابن اکبر پادشاه کرده و این ضعیفه اگر بر سر هر مو زبانی داشته باشد، از ادای شمه‌ای شکر این عطیه عظمی و موهبت کبری، عاجز است. و این فقیره از کمترین مریدان عبودیت نشان حضرت قطب‌الاولیاء، برگزیده درگاه ایزد تعالی، عارف واصل، کامل مکمل، دعوت‌العارفین، غیاث الاسلام و المسلمین، سرور مشایخ کبار، سر حلقه اولیاء نامدار؛ عمده‌الراسخین، قدوه‌السانین، شیخ الاسلام، خواجه معین‌المله و الحق و الدین، حسن حسینی سجزی چشتی است» (جهان آرا بیگم، ۱۳۹۰: ۶).

جهان آراء بیگم خواجه معین‌الدین چشتی را چنین معرفی می‌کند: «آن حضرت در مشایخ کبار به کمالات و مقامات عالی مشهور و معروف و در زمره اولیا عالیمقدار به صفات جلیه موصوف بودند. ولادت با سعادت حضرت ایشان - روح الله روحه - در ولایت سجستان بوده و در دیار خراسان نشو و نما یافته‌اند.» (جهان آرا بیگم، ۱۳۹۰: ۱۴).

همچنین از پیر خود، خواجه معین‌الدین، با القاب حضرت قطب‌الاولیاء، سیدالأتقیاء، گوهر معدن تحقیق، لولوی لجه تصدیق، نیر آسمان معرفت، مهر سپهر حقیقت، عالم علوم ولایت، دانای اسرار هدایت، سرور سریر حق و یقین، غوث‌الاسلام و المسلمین یاد می‌کند و اینگونه به توصیف وی می‌پردازد:

ذات او بیرون ز ادراک و صفت	"آن شهنشاہ جهان معرفت
از خود و از غیر خود بی احتیاج	خسرو ملک فنا بی تخت و تاج
از خودی بیگانه با حق آشنا	غرق بحر عشق از صدق و صفا
بیضه افلاک را در زیر بال	کرد مرغ همتش زوج کمال
گوهر درج کمال بی بدل	اختر برج سپهر لم یزل
فارغ از دنیا به ملک دین امیر	آن معین دین و ملت بی نظیر
فیض او باید که فرماید مدد"	در ثنای او زبانم را چه حد

(جهان آرا بیگم، ۱۳۹۰: ۱۴)

مؤلف علاوه بر بیان شرح حال حضرت پیر دستگیر، از دیگر مشایخ این سلسله همچون قطب‌الدین بختیار اوشی کاکای، شیخ حمیدالدین ناکوری ملقب به سلطان‌التارکین، شیخ نصیرالدین محمود اودهی معروف به چراغ‌دهلی، شیخ فریدالدین مسعود اچودهنی معروف به شکرکنج و شیخ نظام‌الدین محمد بداونی سخن گفته است. (جهان آرا بیگم، ۱۳۹۰: ۱۱۷، ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۰۱، ۹۲).

قدیمی‌ترین نسخه *مونس‌الارواح* به ظاهر در دسترس نیست. گویا تنها نسخه رونویسی شده مربوط به سال ۱۰۶۸ ق / ۱۶۵۷ م است که در زمان حیات مؤلف قلمی شده یا از روی نسخه اصلی استنساخ گردیده است و تحت نظارت وی توسط یکی از خوشنویسان عصر شاهجهان یعنی محمدعاقل خان حسینی به خط نستعلیق جلی همراه با تذهیب و عناوین شنگرف کتابت شده است. قطعاً این نسخه قدیمی‌ترین نسخه این اثر بی بدیل است و به نظر می‌رسد در عین حال اصلی‌ترین نسخه نیز باشد و بعید است نسخه کهن‌تری از آن وجود داشته باشد زیرا در فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های شبه قاره و نیز معتبرترین و مشهورترین کتابخانه‌های جهان، نسخه‌ای کهن‌تر از این تاکنون معرفی نشده است.

مولانا شبلی نعمانی براساس آنچه خود می‌نویسد به خاطر علاقه‌ای که به این نسخه داشته، آن را در ۵ جولای ۱۹۰۶م به قیمت صد روپیه در شهر لکهنو خریداری و در مخزن کتابخانه خویش نگه‌داری کرده است (شبلی، ۱۰۶۸: برگ اول).

علاوه بر این، نسخه‌های خطی دیگری از این اثر در کتابخانه‌های مختلف جهان نگه‌داری می‌شود که از آن جمله می‌توان به نسخه خطی متعلق به دارالمصنفین شبلی آکادمی اعظم گر هند

اشاره کرد. این اثر به اهتمام نگارنده با همکاری اشتیاق احمد ظلی در آذر ماه ۱۳۹۰ ش / دسامبر ۲۰۱۱ م در دهلی نو به صورت عکسی به چاپ رسیده است. از آنجا که تعدادی از صفحات اولیه این نسخه دچار افتادگی بود، لذا با استفاده از نسخه کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه علیگر تکمیل شده است.

این نسخه به جهت اهمیت آن، در سال ۱۹۱۱ م به نمایشگاه کتاب پاریس فرستاده شد. کتاب مونس‌الارواح همچنین به زبان اردو ترجمه شده است.

جهان‌آرا بیگم علاوه بر این کتاب، دارای آثار دیگری همچون «رساله صاحبیه» است که در باب زندگانی وی می باشد و در کتابخانه ویدیا سبها در شهر احمدآباد نگه‌داری می‌شود؛ همچنین «سفرنامه اجمیر شریف» و «مثنوی در غم درگذشت پدرش، شاهجهان» از دیگر آثار او است.

چنانکه گذشت این شاهزاده تیموری اهل شعر بوده و ابیاتی از سروده‌های وی در خصوص درگذشت غم انگیز پدرش باقی است:

ای آفتاب من که شدی غایب از نظر	آیا شب فراق ترا هم بود سحر
ای پادشاه عالم و ای قبله جهان	بگشای چشم رحمت و بر حال من نگر
نالم چنین زغصه و بامم بود به دست	سوزم چو شمع در غم و دورم رود زمر

(جهان‌آرا بیگم، ۱۳۹۰: ۶)

در خصوص ذوق علمی و ادبی و همچنین جود و سخاوت وی در تذکره‌ها و منابع آن عصر چون «ریاض‌الشعراء» و «خزانه عامره» مطالبی آمده است از جمله مولانا غلام‌علی آزاد بلگرامی در اثر خود موسوم به «تذکره ید بیضاء» چنین می‌نویسد:

«میرزا محمدعلی ماهر، یک مثنوی در تعریف جهان‌آرا بیگم سرود و وقتی آن را برای وی قرائت کرد، بر یک بیتی که به شرح زیر می‌باشد در آن زمان پانصد روپیه انعام گرفت:

به ذات تو صفات کردگار است که خود پنهان و فعلش آشکار است» (همان: ۷)

تاورنیه (Tavernier)، جهانگرد معروف زمان شاهجهان نیز درباره وی می‌نویسد:

در این شکی نیست که جهان‌آرا بیگم دارای شخصیتی بسیار فوق‌العاده بود و اگر تمام جهان را در اختیار او قرار می‌دادند می‌توانست به نحو احسن آن را اداره کند (کلیم، بی تا: ۷). دبلیو بل (W. Bell) نیز جایگاه او را چنین توصیف می‌کند:

جهان‌آراء بیگم در بین بانوان، بی‌نظیرترین بانو از جهت حیا و حجاب بوده به طوری که ذکر او در سایر آثار تاریخی به عنوان شخصیتی نامدار، با فضل و اخلاق حسنه از او یاد شده و تا ابد

ویژگی‌های او از جمله اطاعت از پدر و مادر و مسئولیت‌پذیری او به عنوان ضرب‌المثل باقی خواهد ماند» (همان: ۲۶).

سرانجام شبلی نعمانی در یادداشت خود که به عنوان دیباچه در هامش نخستین برگ نسخه مونس‌الارواح آمده درباره جهان‌آرا چنین می‌نویسد:

«شصت لک روپیه سالانه روزینه داشت. چون در سنه ۱۰۵۳ هـ وقتی که به خوابگاه می‌رفت، جامه‌اش را از شمع آتش درگرفت و دست و اضلاعش بسوخت، شاهجهان از روز اول تا روز سوم هر روز پنج هزار اشرفی و پنج هزار روپیه تصدق نمودند، و هفت لک از عین‌المال که بر ذمه مدیونان بود بخشیدند. و مقرر شد که بعد از این همیشه هر روز یک هزار روپیه که سالی سه لک و شصت هزار روپیه می‌شود تصدق آن ملکه زمان به ارباب استحقاق می‌رسیده باشد. حکیم داود مخاطب به تقرّب خان که در علاج ید بیضا نمود، در جشن صحّت به اضافه هزاری دو صد سوار امتیاز یافت و تا یک سال بنگش جمعه به او مفوض گردید. از مآثر الامراء - ترجمه تقرّب خان» (خافی خان، نسخه خطی).

از آنجا که جهان‌آرا بیگم به مسایل دینی علاقه ویژه داشت، مسجد جامع آگره را احداث کرد. علاوه بر آن، یک مدرسه دینی جهت آموزش قرآن کریم و علوم دینی بنیان نهاد. همچنین به امر او مسجد ملا بدخشی کشمیری و سالن بزرگی در درگاه خواجه معین‌الدین چشتی ساخته شد. «ملکه باغ دهلی» که اکنون با نام «ویکتوریا گاردن» معروف و نزدیک جاده کرنال در دهلی نو است، از دیگر احداثات او است.

دفتر زندگی این شاهزاده خانم با فضل و کمال تیموریان هند سرانجام در ۷ رمضان ۱۰۹۲ق/ ۱۶۸۹م در دهلی بسته شد. او در آرامگاهی که خود در زمان حیاتش در جوار آرامگاه خواجه نظام‌الدین اولیاء در دهلی ساخته بود به خاک سپرده شد. به واسطه مرگ او سه روز سوگواری رسمی در سراسر هند اعلام شد.

نتیجه

کتاب مونس‌الارواح، نوشته جهان‌آرای بیگم، دختر با فضیلت شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ق / ۱۶۲۸ - ۱۶۵۸م) و ارجمندبانو است. این اثر شرح احوال مشایخ سلسله چشتیه را در بر دارد که از تاثیر گذارترین بزرگان طریقت، در ترویج و گسترش اسلام در شبه قاره بوده اند. از متن مونس‌الارواح

چنین بر می آید که سرسلسله چشتیه هند، خواجه معین الدین، بسیار مورد احترام شاهزاده جهان آرا بیگم بوده و وی ارادت کم نظیری نسبت به این پیر چشتیه داشته و از او با القاب حضرت قطب الاولیاء، سیدالتقیاء، گوهر معدن تحقیق، لولوی لجه تصدیق، نیر آسمان معرفت، مهر سپهر حقیقت، عالم علوم ولایت، دانای اسرار هدایت، سرور سریر حق و یقین، غوث الاسلام و المسلمین یاد می کند در حالی که با وجود عزت و ارجی که در پیشگاه پدرش شاهجهان دارد، از خود با عنوان حقیرترین مریدان آن حضرت نام می برد و این مطلب گواه رابطه عمیق مرید و مرادی او با معین الدین چشتی است.

منابع

۱. آریا، غلامعلی، *طریقه چشتیه در هند و پاکستان*، ج ۱، تهران: زوار، ۱۳۶۵.
۲. جامی، عبدالرحمن، *نفحات الانس*، چاپ محمود عابدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
۳. جمالی دهلوی، حامد بن فضل الله، *سیرالعارفین*، دهلی، چاپ سنگی، ۱۳۱۱ق.
۴. جهان آرا بیگم، *مونس الارواح*، به اهتمام کریم نجفی برزگر با همکاری اشتیاق احمد ظلی، دهلی نو: رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران، ۱۳۹۰.
۵. دهلوی، عبدالحق، *اخبار الاخیار فی اسرار الابرار*، چاپ علیم اشرف خان، تهران، ۱۳۸۳.
۶. سالک، محمد علیم الدین دختران هند، *نسخه خطی*، بی تا.
۷. شرافت نوشاهی، شریف احمد، *شریف التواریخ، تاریخ الاقطاب*، گجرات، ۱۹۷۹.
۸. فرشته، محمد قاسم بن غلامعلی؛ *تاریخ فرشته: گلشن ابراهیمی*، لکهنو: مطبع منشی نولکشور (چاپ سنگی)، بی تا.
۹. کلیم، محبوب الرحمن، *جهان آرا بیگم*، *نسخه خطی*، بی تا.
۱۰. کنبوه، محمد صالح، *عمل صالح موسوم به شاهجهان نامه*، ترتیب و تحشیه غلام یزدانی، تصحیح وحید قریشی، طبع دوم، مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۶۷.
۱۱. لاهوری، عبدالمجید، *پادشاه نامه*، *نسخه خطی*، بی تا.
۱۲. لاهوری، *خزینه الاصفیا*، کانپور، ۱۹۱۴.
۱۳. داراشکوه، محمد، *سفینه الاولیا*، کانپور، چاپ سنگی، ۱۳۱۸ ق.
۱۴. منزوی، احمد، *فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان*، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۲-۱۳۷۰.
۱۵. میرخورد، محمد بن مبارک، *سیر الاولیاء در احوال و ملفوظات مشایخ چشت*، لاهور، ۱۳۵۷.
۱۶. نظامی، خلیق احمد، *تاریخ مشایخ چشت*، دهلی، ۱۹۸۰.
۱۷. نفیسی، سعید، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، تهران، ۱۳۴۴.
۱۸. نوشاهی، عارف، *فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش*، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵.

